

صدیقه اشرف

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

اعظم نظری

دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

عده‌ی زنان در آیین‌های فقه امامیه

چکیده

امروزه با توجه به زیاد شدن وقوع طلاق میان زوجین، یکی از مسایل مهمی که بانوان باید به آن توجه داشته باشند، بحث نگه داشتن عده و رعایت احکام مربوط به آن می‌باشد.

با نگه داشتن عده، وضعیت زن از نظر بارداری یا عدم بارداری مشخص می‌شود تا از اختلاط انساب جلوگیری شود و نیز زوجین در این دوره، بار دیگر می‌توانند در مورد وضعیت خود تجدید نظر کنند و در صورتی که نادم و پشیمان بودند، به زندگی مشترک خود دوباره بازگردند.

این مقاله به بررسی عده‌ی بانوان می‌پردازد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی نگه داشتن عده، احراز باردار بودن یا عدم بارداری زوجه است. هرچند دلایل دیگری نیز مطرح است که در این پژوهش به آنها اشاره می‌شود.

مسأله‌ی اصلی تحقیق آن است که عده در جامعه اسلامی چه جایگاهی دارد و دلایل وجوب نگه داشتن عده و مسائل مربوط به آن چیست؟

برای رسیدن به پاسخ از نرم‌افزارهایی چون مکتبه اهل بیت، جامع فقه اهل بیت، المعجم از آیت الله سیستانی و نیز سایت اینترنتی WWW.Hawzah.Qandas و مقالات پیرامون عده استفاده شده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در کتاب‌های فقهی، عده در لابه‌لای بحث‌هایی چون نکاح دائم و منقطع، طلاق، آمیزش به شبهه، وفات زوج، فسخ نکاح، ارتداد زوج و زوجه، بدل مدت یا انقضای آن و... مطرح شده؛ اما در کتله‌ی جدید، مختصراً به بحث پیرامون "عده بانوان" پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

زوج، زوجه، انحلال نکاح، وفات، مفقود الاثر، آمیزش به شبهه، عده، نکاح دائم، نکاح منقطع.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعریف عده

عده در اصطلاح فقهی عبارت از آن است که زوجه پس از جدایی با طلاق، آمیزش به شبهه، فسخ نکاح، فوت زوج، بذل مدت یا انقضای آن، مدتی را در حال انتظار سپری کرده و از ازدواج دوباره خودداری کند. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۵۹۴/۳؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۱۱/۳۲؛ محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، ۴۴۷؛ مغنیه، فقه مقارن ۱ و ۲، ۲۱۱).

بنابراین به مدت زمانی که زن انتظار می‌کشد تا باردار نبودن او احراز شود، عده گفته می‌شود.

ماده‌ی ۱۱۵۰ قانون مدنی در مورد عده بیان می‌دارد که «عده عبارت است از مدتی که زن عقد نکاح او منحل شده و نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند.» (کنگرانی، قانون مدنی با اصلاحات و الحاقات به انضمام قانون مسئولیت مدنی، ۲۳۹).

فلسفه‌ی نگه داشتن عده

آن گاه که میان زوجین مفارقت و جدایی حاصل شده و نگه داشتن عده بر زوجه واجب گردد، با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات آن، فلسفه‌ی نگه‌داشتن عده نیز متفاوت خواهد بود.

۱- عده، مدت زمانی است که زوجه باید پس از جدایی و انحلال زوجیت صبر پیشه کند تا از مختلط شدن نسل جلوگیری شود. (زیدان، عبدالکریم، المفصل فی احکام المراه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ۱۲۲/۹؛ محقق حلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۲۲/۳؛ شیخ الاسلامی، احوال شخصیه، ۲۴۰/۱؛ شفقانی، محسن، طلاق در مذاهب، ۵۴؛ دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن، ۷۳؛ واحدی، طلاق، ۲۴۲).

بدیهی است که شارع مقدس به این مسأله - جلوگیری از اختلاط نسب‌ها - اهمیت فوق‌العاده‌ای داده است. به همین جهت شارع برای زوجه‌ی غیر مدخوله، زوجه‌ی صغیره و زوجه‌ی یائسه، عده‌ای قرار نداده است - به استثنای عده‌ی وفات - زیرا زمانی که نزدیکی میان زوجین واقع نشده باشد، احتمال اختلاط انساب منتفی است.

۲- عده‌ی طلاق، فرصتی برای تفکر و بازنگری به زندگی زناشویی گذشته است. در طول این مدت زوجین می‌توانند درباره‌ی خانواده، سرنوشت خود، همسر و فرزندانشان تفکر کنند و نیز به شوهر این فرصت و امکان داده شده است تا در صورت پشیمانی از انحلال نکاح، دوباره زندگی مشترک گذشته را ادامه دهند.

۳- هرگاه شوهر فوت کند، ازدواج وی با همسرش منحل شده و نگاه داشتن عده بر همسر وی واجب می‌شود.

حکمت تشریح عده وفات علاوه بر مطالب گذشته یعنی اطمینان از عدم بارداری، اظهار اندوه بر فقدان شوهر است که نوعی وفاداری زن نسبت به همسرش می‌باشد. زیرا احساس می‌کند نعمت‌های زیادی را همچون وجود همسر که موجب حفظ عفت و پاکدامنی بوده، حامی او در تأمین مخارج زندگی، بچه‌دار شدن و مادر گشتن را از دست داده است که این‌ها همگی حزن است. (زیدان، المفصل، ۱۲۳/۹)

حرمت نکاح در دوران عده

یکی از موانع نکاح، در عده بودن زن می‌باشد. بنابراین ازدواج دائم یا منقطع با زنی که دوران عده را سپری می‌کند، باطل است. بنابراین عده‌ی زن خواه به دلیل طلاق بائن باشد یا رجعی، عده وفات باشد یا آمیزش به شبهه و... نکاح با وی باطل خواهد بود. در مورد علم یا عدم علم به وجود عده و حرمت نکاح در دوران عده، در دو حالت بررسی می‌شود:

حالت اول: اگر زن و مرد نسبت به حکم - حرمت نکاح در دوران عده - یا موضوع - در عده بودن زن - آگاهی نداشته و با یکدیگر ازدواج کنند، ازدواج آنها باطل است؛ و در صورت عدم نزدیکی میان آنان، حرمت ابدی ایجاد نمی‌شود و پس از پایان یافتن عده می‌توانند با هم ازدواج کنند. اما اگر میان آنان نزدیکی صورت گرفته باشد، آنان با یکدیگر حرام ابدی می‌شوند و هیچ‌گاه نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

حالت دوم: هرگاه زن و مرد نسبت به حرمت نکاح در دوران عده و در عده بودن، آگاهی داشته و با این حال با یکدیگر ازدواج کنند، اگر چه آمیزش نکرده باشند، بر

یکدیگر حرام ابدی می‌شوند. (المدرسی، احکام الزواج و فقه الاسره، ۶۹ و ۷۰؛ الحسینی السیستانی، منهاج الصالحین، ۶۳/۳؛ موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۵۰۲/۳).

آیه‌های وارده پیرامون حرمت نکاح در دوران عده

الف- «اگر مرد همسر خود را (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) طلاق دهد، دیگر زن بر او حلال نخواهد بود، مگر این که زن با مرد دیگری ازدواج کند (و با او آمیزش نماید) و اگر (محلل) او را طلاق داد، می‌تواند با همسر اول خود ازدواج کند.»^۱ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۷۲/۲).

ب- «... (ولی در هر حال) اقدام به ازدواج ننماید تا عده آنها سرآید...»^۲ (همو، همان، ۱۹۲/۲)

روایت‌های وارده پیرامون حرمت نکاح در دوران عده

۱- حلبی از امام صادق(ع) روایت می‌کند که فرمودند: هرگاه مرد با زنی که در عده است ازدواج نماید و نزدیکی کند، چه آگاه باشد یا ناآگاه، هرگز بر یکدیگر حلال نخواهند بود و اگر نزدیکی نکرده باشند بر شخص ناآگاه، حلال و بر شخص آگاه، حلال نخواهد بود.^۳ (حرعاملی، محمدبن، وسائل الشیعه، ۳/۳۴۵/۱۴).

۲- محمدبن مسلم می‌گوید: از امام صادق(ع) در مورد مرد که با زنی که در عده است ازدواج کرده سوال کردم. ایشان فرمودند: بین آنها جدایی حاصل می‌شود و هیچ‌گاه بر او حلال نخواهد شد.^۴ (همو، همان، ۳۵۰/۱۴).

۳- اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام موسی کاظم(ع) گفتم: از پدر شما به ما خبر رسیده که هرگاه مرد با زن، در زمان عده ازدواج نماید، هیچ‌گاه بر او حلال نمی‌شود. سپس ایشان فرمودند: این زمانی است که او عالم باشد و اگر ناآگاه باشد، زن از او

بَعْدُ حَتَّى تَذُنُّكَ زَوْجًا» غَيْرُهُ فَإِنْ حَ طَلَّقَهَا فَلِلَّيْمَانِ أُنْتَا يَتَرَأ جَعَا...» (بقره/ آیه‌ی ۲۳۰).

حَتَّى... يَبْئُغَا لِكِتَابِ أ جَلَا...» (بقره/ آیه‌ی ۲۳۵).

۳- «روی حلبی عن الامام ابی عبدالله الصادق علیه السلام، اذا تزوج الرجل المراه فی عدتها و دخل بها لم تحل ابدًا، عالما كان او جاهلا، و ان لم يدخل حلت للجاهل و لم تحل للأخر.»

۴- «قال محمدبن مسلم: سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الرجل يتزوج المراه فی عدتها؟ فقال علیه السلام: يفرق بينهما و لا تحل له ابدًا.»

جدا می‌شود و عده نگه می‌دارد و مجدداً با او ازدواج کند.^۱ (همو، همان، ۱۴/۳۴۷/ح ۱۰).

حرمت نکاح زوج با خواهر زن در زمان عده زوجه‌اش

هرگاه زن و مردی با هم ازدواج کنند، بر شوهر حرام است که همزمان با خواهر زنش ازدواج کند؛ زیرا جمع میان دو خواهر حرام است.

در این مورد، آیه قرآن و روایت‌ها به صراحت این مطلب را بیان کرده‌اند که در زیر به آن‌ها اشاره شده است. (المدرسی، الوجیز فی الفقه الاسلامی احکام الزواج و فقه الاسره، ۶۷؛ مغنیه، فقه مقارن ۱ و ۲، ۲۱۷).

اما در صورتی که همسرش را طلاق داده و نکاحشان منحل شده، پس از سپری شدن دوران عده همسرش، می‌تواند خواهر زنش را برای خود عقد کند. اگر طلاق آنان رجعی باشد، مادامی که زوجه‌ی مطلقه‌ی رجعی در عده بسر می‌برد، شوهر نمی‌تواند با خواهر زنش یا با زن پنجم ازدواج کند؛ زیرا او در حکم زوجه است. بنابراین جمع میان دوخواهر جایز نمی‌باشد. (المدرسی، الوجیز فی الفقه الاسلامی احکام الزواج و فقه الاسره، ۶۸).

آیه‌ی وراده پیرامون حرمت نکاح زوج با خواهر زن

«بر شما مواردی حرام گردیده از جمله جمع میان دو خواهر...»^۲ (مکارم شیرازی،

تفسیرنمونه، ۳/۳۲۶).

این آیه بیان می‌دارد که جمع میان دو خواهر در زمان واحد، حرام است. بنابراین اگر مرد، همسر خود را طلاق رجعی دهد، تا زمانی که دوران عده‌ی طلاق رجعی به پایان نرسیده، مرد نمی‌تواند با خواهر وی ازدواج کند.

روایت‌های وراده پیرامون این مطلب

۱- یونس می‌گوید: در نامه شخصی به امام رضا علیه السلام خواندم، فدای تو، مرد با زنی برای مدتی مشخص ازدواج موقت می‌کند. سپس مدت میان آنها به اتمام می‌رسد. آیا او می‌تواند با خواهر همسرش قبل از اتمام عده‌ی زوجه‌اش ازدواج کند؟ ایشان

۱- «و قال اسحاق بن عمار: قلت لابی ابراهیم علیه السلام: بلغنا عن ابیک ان الرجل اذا تزویج المراه فی عدتها

لم تحل له ابدًا. فقال علیه السلام: هذا اذا كان عالماً، فاذا كان جاهلاً فارقهها و تعتد، ثم یتزوجها نکاحاً جدیداً.»

حُرْمَةٌ وَأَنَّ تَجْمَعَهُمَا - ۲- لَأُخْتًا مِنْ... (نساء/ آیه‌ی ۲۳)

نوشتند: ازدواج با خواهر زن تا پایان عده همسرش برای او حلال نمی‌باشد.^۱ (الکلینی، فروع الکافی، ۴۳۲/۵، ح ۵).

۲- زراره از امام محمدباقر(ع) نقل می‌کند که مردی همسرش را طلاق داده است در حالی که زن باردار است. آیا او می‌تواند قبل از وضع حمل همسرش با خواهر زنش ازدواج کند؟ ایشان فرمودند: تا پایان زمان وضع حمل نمی‌تواند با خواهر زنش ازدواج نماید.^۲ (همو، همان، ۴۳۲/۵، ح ۸)

۳- از امام موسی کاظم(ع) روایت شده که از ایشان سوال شد در مورد مردی که همسرش را طلاق داده است. آیا او می‌تواند با خواهر همسرش ازدواج نماید؟ ایشان فرمودند: تا پایان عده همسرش نمی‌تواند با خواهر زنش ازدواج کند.^۳ (همو، همان، ۴۳۲/۵، ح ۹)

عده‌ی زن در طلاق رجعی

در صورتی که رابطه زوجیت با طلاق رجعی منحل شود، برای جلوگیری از اختلاط انساب، نگه داشتن عده طلاق بر زن طلاق داده شده واجب خواهد بود. بنابراین عده‌ی طلاق رجعی در زنی که مدخوله است دو حالت دارد:

الف- عده‌ی زن باردار در طلاق رجعی

هر گاه زن باردار، طلاق داده شود، عده او با زایمانش سپری خواهد شد. (محقق حلی، شرایع الاسلام، ۲۱۳؛ محمدی، شرح تبصره علامه حلی، ۲۴۲/۲؛ www.Hawzah.Qandas). پس در صورتی که پس از سپری شدن مدت کوتاهی از واقع شدن طلاق، زوجه مطلقه زایمان کند، عده‌ی او تمام می‌شود و او می‌تواند بلافاصله پس از زایمان، دوباره ازدواج کند.

۱- «عن یونس قال: قرأت فی کتاب رجل الی ابی الحسن علیه السلام جعلت فداک الرجل یتزوج المراه متعه الی اجل مسمی فینقضی الاجل بینهما هل له ان ینکح اختها من قبل ان تنقضی عدتها؟ فکتب: لایحل له ان یتزوجها حتی تنقضی عدتها.»

۲- «عن زرارہ، عن ابی جعفر علیہ السلام فی رجل طلق امراته و هی حبلی یتزوج اختها قبل ان تضع؟ قال: لا یتزوجها حتی یخلو اجلها.»

۳- «عن ابی ابراهیم علیہ السلام قال: سالتہ عن رجل طلق امره یتزوج اختها؟ قال: لا حتی تنقضی عدتها.»

از طرفی دیگر، اگر پس از انعقاد نطفه، بلافاصله طلاق داده شود، عده‌ی زن تا وضع حمل ادامه خواهد داشت؛ اگر چه وضع حمل نه ماه یا بیشتر باشد.

آیه‌ی وارده پیرامون عده‌ی زن باردار در طلاق رجعی

«... و عده‌ی زنان باردار این است که زایمان کنند...»^۱ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۴۲/۲۴).

روایت وارده پیرامون عده‌ی زن باردار در طلاق رجعی

زراره از امام محمد باقر(ع) نقل می‌کند که ایشان می‌فرمایند: هرگاه زنی که باردار است، طلاق داده شود، مدت عده‌ی او تا زمان زایمان است اگرچه او همان لحظه وضع حمل نماید.^۲ (الکلینی، فروع الکافی، ۸۵/۶ ج ۱).

ب- عده‌ی زن غیر باردار در طلاق رجعی

هرگاه زوجه مدخوله‌ای که باردار نیست، طلاق داده شود، نگه داشتن عده بر زن واجب خواهد بود. بنابراین در صورتی که زن دارای عادت ماهانه منظم باشد، عده او سه طهر خواهد بود؛ اما اگر او فاقد عادت ماهانه منظم است، عده او با سپری شدن سه ماه به پایان می‌رسد. (ماده‌ی ۱۱۵۱ قانون مدنی: «عده‌ی طلاق و عده‌ی فسخ سه طهر است مگر این که زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.» کنگرانی، مهدی، قانون مدنی با اصلاحات و الحاقات به انضمام قانون مسئولیت مدنی، ۲۴۰؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ۲۱۲).

آیه‌های وارده پیرامون عده‌ی زن غیر باردار در طلاق رجعی

الف- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که زنان با ایمان را به ازدواج خود درآوردید و قبل از هم بستر شدن طلاق دادید عده‌ی برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید...»^۳ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۷۰/۱۷).

الْأَحْمَ
الِ اجِ لَمْهُ نَ ا نِ۱-۱ ضَعْنَ نَ حَمَّ لَمْهُنَّ...» (طلاق / آیه‌ی ۴).
۲- «عن زراره، عن ابی جعفر علیه السلام قال: اذا طلقت المراه و هی حامل فأجلها ان تضع حملها و ان وضعت
من ساعتها.»
تُمْ طَلَّ قُتْمُو هُنَّ ۳- هُنَّ قَ بِلِ اُنْ تَمَسُوهُنَّ فَمَا لَكُنَّ مِنْ عَلِيٍّ عِدَّةٍ هِ
تَعْتَدُوْنَهَا...» (احزاب / آیه‌ی ۴۹).

از این آیه به دست می‌آید که در جدایی قبل از نزدیکی، نیازی به نگه داشتن عده نیست و در جدایی پس از نزدیکی نگه داشتن عده بر زن واجب خواهد بود. (زیدان، عبدالکریم، المفصل فی احکام المراه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ۱۲۷/۹ - ۱۲۶).

ب- «زنان مطلقه باید به مدت سه مرتبه عادت شدن (و پاک شدن)^۱ انتظار بکشند (عده نگه دارند)...»^۲ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۵۳/۲).

ج- «زنانی از شما که از عادت ماهانه مأیوسند (و در سن عادت شدن هستند)، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده‌ی آنها سه ماه است...»^۳ (همو، همان، ۲۴۲/۲۴).

روایت وارده پیرامون عده‌ی زن غیر باردار در طلاق رجعی

از امام صادق (ع) روایت شده است که ایشان می‌فرمایند: شایسته است که زن طلاق داده شده فقط با اجازه شوهرش از خانه بیرون شود تا زمانی که سه طهر عده‌اش به پایان برسد یا سه ماه اگر حیض نمی‌شود.^۴ (طوسی، الاستبصار، ۳۳۳/۳ ح ۱).

عده‌ی زن مطلقه غیر مدخوله

هرگاه زن قبل از نزدیکی و خلوت با همسرش، طلاق داده شود، عده ندارد. (نجفی، جواهر الکلام، ۲۱۱/۳۲؛ الحسینی السیستانی، منهاج الصالحین، ۱۶۵/۳؛ زیدان، عبدالکریم، المفصل، ۱۲۶/۹؛ واحدی، قدرت الله، طلاق، ۲۴۱؛ محمدی، علی، شرح تبصره علامه حلی، ۲۴۰/۲؛ دینانی، حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن، ۷۵؛ المامقانی، رساله صراط النجاه، ۲۰۲؛ الحسینی الشاهرودی، جامع المقاصد، ۹۰).
 زیرا احتمال مختلط شدن نسل در وی منتفی است. (زیدان، المفصل، ۱۲۶/۹؛ محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، ۴۲۰ و ۴۲۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- سه قرء عبارت است از: اول، پاک‌ی که طلاق در آن واقع شده+ عادت اول+ پاک‌ی دوم+ عادت دوم+ پاک‌ی سوم+ اولین لحظه ورود به عادت سوم، از عده خارج می‌شود.

پاؤ ۲- « فُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ » (بقره/ آیه‌ی ۲۲۸).

۳- « سَائِكُمْ اِنْ اَرْتُمْ جِئْتُمْ فَعِدَةٌ اَتَهَّلِيْ ثَمَّ شَهْرٌ... » (طلاق/ آیه‌ی ۴)

۴- «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: لا ینبغی للمطلقة أن تخرج إلا بأذن زوجها حتی تنقضی عدتها ثلاثه قروء أو ثلاثه اشهر إن لم تحض.»

قاتُ یترَ بَصْنِ
لُمَحِیضِ مِنْ زِ

آیهی وارده پیرامون عدهی مطلقه غیر مدخوله

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که زنان با ایمان را به ازدواج خود درآوردید و قبل از هم بستر شدن طلاق دادید عده‌ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید...» (احزاب، آیهی ۴۹) (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۷/۳۷۰).

روایت‌های وارده پیرامون عدهی مطلقه غیر مدخوله

۱- عبید بن زراره می‌نویسد: از امام صادق(ع) سؤال کردم درباره مردی که همسرش را قبل از نزدیکی طلاق داده است. آیا نگه داشتن عده بر وی واجب است؟ فرمودند: خیر^۱. (طوسی، الاستبصار، ۳/۳۳۹/۶).

۲- محمدبن عمر ساباطی می‌گوید از امام رضا(ع) سؤال کردم درباره‌ی مردی که همسرش را قبل از نزدیکی طلاق داده است. ایشان فرمودند: نگه داشتن عده بر او واجب نیست^۲. (همو، همان، ۳/۳۳۹/۵).

۳- حلبی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: هرگاه مردی همسرش را قبل از نزدیکی طلاق دهد نگه داشتن عده بر او واجب نیست و اگر زن بخواهد همان لحظه می‌تواند ازدواج کند^۳. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۵/۴۰۴/۴).

۴- ابی بصیر از امام صادق(ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: هرگاه مرد با زنی ازدواج نماید و قبل از نزدیکی با همسرش، او را طلاق دهد، نگه داشتن عده بر او واجب نخواهد بود و در صورت تمایل می‌تواند همان لحظه ازدواج کند...^۴ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۵/۴۰۴/۷).

۱- «عن عبید بن زراره قال: سألت ابا عبدالله عليه السلام عن رجل طلق امرأته قبل أن يدخل بها أ عليها عده؟ قال: لا.»

۲- «عن محمد بن عمر الساباطی قال: سألت الرضا عليه السلام عن رجل تزوج امرأه فطلقها قبل أن يدخل بها قال لا عده عليها.»

۳- «عن حلبی، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إذا طلق الرجل امرأته قبل أن يدخل بها فليس عليها عده تزوج من ساعتها ان شاءت...»

۴- «عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله عليه السلام قال: اذا تزوج الرجل المرأه فطلقها قبل ان يدخل بها فليس له عليها عده و تزوج من شأت من ساعتها...»

۵- ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: هرگاه مردی همسرش را قبل از نزدیکی طلاق دهد طلاق بائن به شمار می‌رود و اگر زن بخواهد همان لحظه می‌تواند ازدواج کند.^۱ (همو، همان، ۴۰۴/۱۵ ح/۳).

عده‌ی زن یائسه طلاق داده شده

فقه‌های امامیه زنی را یائسه می‌دانند که به سن ۵۰ یا ۶۰ سالگی رسیده است^۲ و دیگر خون حیض نمی‌بیند و از باردار شدن نیز ناامید است. بنابراین چون احتمال مختلط شدن نسل در چنین زنی نمی‌رود، نگه داشتن عده بر او واجب نخواهد بود. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۲۰/۳۲؛ الحسینی الروحانی، فقه الصادق، ۴۴۹/۲۲؛ الحسینی السیستانی، منهاج الصالحین، ۱۶۶/۳؛ محمدی، شرح تبصره علامه حلی، ۲۴۰/۲).

روایت‌های وارده پیرامون عده‌ی زن یائسه‌ی طلاق داده شده

- ۱- حمادبن عثمان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که سؤال کردم در مورد زنی که از دیدن حیض مأیوس است و امثال آن زن نیز حیض نمی‌شوند. ایشان فرمودند: که نگاه داشتن عده بر او واجب نیست.^۳ (جرعاملی، وسائل الشیعه، ۴۰۵/۱۵ ح/۱).
- ۲- محمدبن مسلم می‌نویسد از امام محمدباقر (ع) شنیدم که ایشان در مورد زن یائسه‌ای که شوهرش او را طلاق داده است می‌فرمودند: طلاق بائن است و عده ندارد.^۴ (همو، همان، ۴۰۸/۱۵ ح/۱).

۱- «عن أبی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إذا طلق الرجل امراته قبل أن یدخل بها تطلیقه واحده فقد بانته منه و تزوج من ساعتها إن شاءت.»

۲- سن یائسگی به ماه قمری:
سن یائسگی در خانم‌های سید: ۵۸ سال و ۷ ماه و ۲۵ روز.
سن یائسگی در خانم‌های غیر سید: ۴۵ سال و ۷ ماه و ۱۵ روز.

۳- «عن حمادبن عثمان، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: سألته عن التی قد ینت من المحیض و التی لا یحیض مثلها، قال: لیس علیها عده.»

۴- «عن محمدبن مسلم قال: سمعت أبا جعفر علیه السلام یقول فی التی قد ینت من المحیض یطلقها زوجها قال: قد بانته منه و لا عده علیها.»

عده‌ی زن طلاق داده شده نابالغ

هرگاه عقد نکاح زوج و زوجه صغیره منحل گردد، از آن جایی که احتمال باردار بودن زوجه صغیره منتفی است، بنابراین نگه داشتن عده بر او واجب نیست. (الحسینی شاهرودی، جامع المقاصد، ۹۰؛ محمدی، شرح تبصره علامه حلی، ۲/۲۴۰؛ المامقانی، رساله صراط النجاه، ۲۰۲؛ موسوی بجنوردی، «عده و احکام آن»، ۵).

روایت وارده پیرامون عده‌ی زن طلاق داده شده نابالغ

حمادبن عثمان از امام صادق(ع) نقل می‌کند که سؤال کردم در مورد زنی که از دیدن حیض مایوس است و امثال آن زن نیز حیض نمی‌شوند. ایشان فرمودند که نگه داشتن عده بر او واجب نیست.^۱ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۵/۴۰۵/ح۱).

عده‌ی فسخ نکاح

در فسخ نکاح همانند طلاق، مبنای نگه داشتن عده در صورت نزدیکی، جلوگیری از اختلاط نسب‌ها و حمایت از جنین می‌باشد. به همین علت در قانون مدنی عده‌ی فسخ نکاح و عده‌ی طلاق با هم موضوع حکم قرار گرفته شده است.^۲

عده‌ی وفات

الف- عده‌ی وفات در صورت باردار نبودن

هر گاه زن در عقد نکاح دائم، شوهرش فوت کند، در صورتی که زن باردار نباشد، مدت عده، چهار ماه و ده روز است. (محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲۱۲؛ الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۷۱۸۱/۹؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۳۲/۲۷۴؛ طوسی، الخلاف، ۵/۵۹).

۱- «عن حمادبن عثمان، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألته عن التي قد یئست من المحیض و التي لا یحیض مثلها، قال: لیس علیها عده.»
۲- ماده‌ی ۱۱۵۱ قانون مدنی: «عده‌ی طلاق و عده‌ی فسخ نکاح سه طهر است، مگر این که زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده‌ی او سه ماه است.» کنگرانی، مهدی، قانون مدنی با اصلاحات و الحاقات به انضمام قانون مسئولیت مدنی، ۲۴۰.

آیه‌ی وارده پیرامون عده‌ی وفات در صورت باردار نبودن

«و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (عده نگه دارند)...»^۱ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۹۲/۲).

آیه‌ی نسخ شده پیرامون عده‌ی وفات

قبل از نزول آیه ۲۳۴ سوره بقره عده زنان یکسال بود و با نزول آن آیه عده بانوان از یکسال به چهار ماه و ده روز تنزیل پیدا کرد آیه عبارت است از:
«و کسانی که در آستانه مرگ قرار می‌گیرند و همسرانی از خود به جا می‌گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آن‌ها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره‌مند سازد، به شرط این که آن‌ها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج مجدد نکنند) و اگر بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند، ولی) گناهی بر شما نیست به آن چه درباره‌ی خود به طور شایسته انجام می‌دهند و خداوند توانا و حکیم است.»^۲ (همو، همان، ۲۱۱/۲).

روایت‌های وارده پیرامون عده‌ی وفات در صورت باردار نبودن

۱- عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: حضرت علی (ع) مقرر کردند برای زنی که شوهرش فوت کرده و هم چنین نزدیکی با وی صورت نگرفته است فرمودند: زن ازدواج نمی‌کند تا این که عده وفات همسرش را به مدت چهار ماه و ده روز بگذرد.^۳ (طوسی، الاستبصار، ۳/۳۳۹ ح ۱).

۲- محمد بن بکیر از عبدالله بن سنان نقل می‌کند که به امام صادق (ع) گفتم: به چه دلیل عده‌ی زن طلاق داده شده سه ماه شد و عده وفات، چهار ماه و ده روز. ایشان فرمودند: زیرا دلگیری زن طلاق داده شده با سه ماه فروکش می‌کند و دلگیری کسی که

بَصْنِ بَأْ-۱ «نَفْسِهِ بِنَّ أَرْ بَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا رَأً. (بقره/ آیه‌ی ۲۳۴).
وَاجِبٌ مِّمَّ وَالَّذِينَ مَلَاعاً أَلِي يُتَوَلَّأُ حَوْلَ غَيْرِ إِ خُرَاجِ فَإِنَّ خَرَجَ بِنَ فَلَ جُنَا ح
نَفْسِهِنَّ مِّنْ مَّعْرُوفِ وَاللَّهُ عَزَّ يَزُ حَكِيمٌ» (بقره/ آیه‌ی ۲۴۰).

۳- «عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قضى أميرالمؤمنين عليه السلام في المتوفى عنها زوجها و لم يمسهها قال: لا تنكح حتى تعتد اربعة اشهر و عشرة عده المتوفى عنها زوجها.»

شوهرش فوت کرده است آرام نمی‌شود مگر بعد از چهار ماه و ده روز.^۱ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۴۵۳/۱۵ ح/۳).

۳- علی ابن جعفر از برادرش نقل می‌کند که می‌گوید: سؤال کردم در مورد زنی که شوهرش فوت کرده است چه مقدار عده نگه می‌دارد؟ فرمودند: چهار ماه و ده روز.^۲ (همو، همان، ۴۵۴/۱۵ ح/۱۶).

ب- عده‌ی وفات در صورت باردار بودن

هرگاه زنی که شوهرش فوت کرده باردار باشد، مدت عده او ابعدا الاجلین یعنی طولانی‌ترین دو مدت عده وفات و زایمان خواهد بود. به این صورت که اگر زمان زایمان، کمتر از چهار ماه و ده روز باشد، باید چهار ماه و ده روز را انتظار بکشد - عده‌ی وفات نگه دارد- اما اگر زمان زایمان بیشتر از چهار ماه و ده روز باشد، عده‌ی زن با وضع حمل سپری می‌گردد. (نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۷۵/۳۲؛ واحدی، قدرت الله، طلاق، ۲۳۸).

آیه‌های وارده پیرامون عده‌ی وفات زن باردار

الف- «... و عده‌ی زنان باردار این است که زایمان کنند...»^۳ (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۲۴۲/۲۴).

ب- «و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (و عده نگه دارند)...» (همو، همان، ۱۹۲/۲).

روایت‌های وارده پیرامون عده‌ی وفات در صورت باردار بودن

۱- حلبی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان در مورد زن بارداری که شوهرش فوت کرده است فرمودند: زن تا پایان آخرین دو مدت- زایمان و عده‌ی وفات- عده نگه می‌دارد.^۴ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۴۵۵/۱۵ ح/۱).

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- «عن محمد بن بکیر، عن عبدالله بن سنان قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: لای عله صارت عده المطلقه ثلاثه اشهر، و عده المتوفی عنها زوجها اربعه اشهر و عشر، قال: لان حرقه المطلقه تسکن فی ثلاثه اشهر، و حرقه المتوفی عنها زوجها لا تسکن الا بعد اربعه اشهر و عشر.»

۲- «عن علی ابن جعفر، عن اخیه، قال: سالته عن المتوفی عنها زوجها کم عدتها؟ قال: اربعه اشهر و عشر. رأ.»
 ۳- «ثُمَّ يَأْضَعُ عَنْ حَمْلٍ لَهَا» (طلاق/آیه ۴).

۴- «عن الحلبي، عن ابي عبدالله عليه السلام انه قال في الحامل المتوفى عنها زوجها: تنقضى عدتها آخرین الاجلین.»

حَمَالٌ أَوْ حَمْلٌ

۲- زراره از امام محمدباقر(ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: عده‌ی زنی که شوهرش فوت کرده است، آخرین دو مدت است -زایمان و عده‌ی وفات- زیرا زن به مدت چهار ماه و ده روز باید حداد را رعایت کند. در طلاق رعایت حداد بر زن طلاق داده شده واجب نیست.^۱ (همو، همان، ۴۵۶/۱۵ ح/۴).

۳- عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: زن بارداری که شوهرش فوت کرده است، مدت عده او آخرین دو مدت است. -زایمان و عده‌ی وفات-^۲ (همو، همان، ۴۵۶/۱۵ ح/۵).

عده‌ی وفات در عقد نکاح موقت

الف- زن غیر باردار

زنی که باردار نیست و در ازدواج موقت، شوهرش فوت کرده است، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارد. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۳۳۸/۲؛ طباطبائی، ریاض المسائل، ۳۷۶/۷؛ همو، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع، ۴۴۳/۲؛ طوسی، الخلاف، ۵۹/۵؛ عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۳۵۹/۷؛ محمدی، شرح تبصره علامه حلی، ۲۴۲/۲).

روایت‌های وراده پیرامون عده‌ی وفات زن در ازدواج موقت در صورت باردار

نبودن

۱- عبدالرحمن بن الحجاج می‌گوید از امام صادق(ع) سؤال کردم در مورد زن که با مردی ازدواج موقت کرده است، سپس شوهرش فوت می‌کند. آیا ننگه داشتن عده بر وی واجب است؟ فرمودند: باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارد.^۳ (طوسی، الاستبصار، ۳۵۰/۳ ح/۱).

۲- عمر بن اذنیه از زراره نقل می‌کند که می‌گوید: از امام محمد باقر(ع) سؤال کردم در مورد عده‌ی زن در ازدواج موقت، زمانی که شوهرش با وی نزدیکی کرده فوت نماید؟

۱- «عن زراره، عن ابی جعفر علیه السلام قال: عده المتوفی عنها زوجها آخر الاجلین لان علیها ان تحد اربعه اشهر و عشرا، و لیس علیها فی الطلاق ان تحد...»

۲- «عن عبدالله بن سنان، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: الحبلی المتوفی عنها زوجها عدتها آخرین الاجلین...»

۳- «عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: سالت ابا عبدالله علیه السلام عن المراه یتزوجها الرجل متعه ثم یتوفی عنها زوجها هل علیها العده؟ فقال: تعتد اربعه اشهر و عشرا.»

ایشان فرمودند: چهار ماه و ده روز. زراره گفت: سپس امام محمد باقر(ع) فرمودند: ای زراره در هر نکاحی هرگاه زوج فوت نماید، پس بر زن آزاد یا کنیز یا به هر صورتی که ازدواج کرده باشد، منقطع یا دائم یا ملک یمین، پس عده، چهار ماه و ده روز است.^۱ (همو، همان، ۳/۳۵۰/ح ۲).

ب- زن باردار

زن بارداری که در عقد نکاح موقت، شوهرش فوت کرده است. از میان مدت وضع حمل و عده وفات هر کدام طولانی تر است به عنوان عده، انتخاب کند. نکته- در عدهی وفات، فرقی میان زوجه مدخوله و غیر مدخوله، نابالغ و بالغ، یائسه و غیر یائسه وجود ندارد. (مفید، محمدبن نعمان، احکام نساء، ۴۸ و ۴۷؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۲۷۴/۳۲؛ طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل، ۳۷۶/۷؛ طباطبائی، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع، ۴۴۳/۲؛ موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۶۰۰/۳).

زنی که شوهرش غایب مفقود الاثر است

زنی که شوهرش غایب مفقود الاثر است می تواند به حاکم رجوع و درخواست طلاق نماید. حاکم از زمان درخواست زن، چهار سال مهلت تعیین می کند تا از شوهر غایب او جستجو شود. پس از پایان مهلت- چهار سال- در صورت رضایت زن غایب مفقود الاثر، می تواند از همسر غایبش جدا شود. (حسینی سیستانی، الفتاوی المسیره، ۳۲۱). اما در ماهیت عدهی زن غایب مفقود الاثر اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را عدهی وفات و برخی عدهی طلاق می دانند. اینک به بررسی هر یک از این دو نظر می پردازیم.

الف- عدهی طلاق و جدایی

روایت هایی که در این زمینه وارد شده است مطلق می باشند و لفظی در آنها وارد نشده است که بیانگر مقصود از عده باشد- عدهی وفات یا عدهی طلاق- زیرا در

۱- «عن عمر بن اذنیه عن زراره قال: سألت ابا جعفر علیه السلام ما عده المتعه اذا مات عنها الذی تمتع بها؟ قال: اربعه اشهر و عشره، قال ثم قال: یا زراره کل النکاح اذا مات الزوج فعلى المراه حره کانت او امه او علی ای وجه کان النکاح منه متعه او تزویجا او ملک یمین فالعده اربعه اشهر و عشره.»

روایت‌های بیان شده است که قاضی باید زن را طلاق دهد و زن باید عده نگه دارد و فقها استنباط کرده‌اند که مقصود از عده، عده‌ی طلاق است نه وفات.

روایت‌های وارده پیرامون عده‌ی طلاق

علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از حماد از حلبی از امام صادق (ع) درباره‌ی غایب مفقود الاثر سؤال کرد. فرمودند: هرگاه چهار سال سپری شود، قاضی به شهرهای اطراف نامه می‌فرستد که او غایب است. پس اگر خبری از او بدست نیامد، قاضی به ولی او امر می‌کند تا نفقه‌ی زوجه را پرداخت کند. پس اگر نفقه را پرداخت کرد، او زوجه‌ی غایب خواهد بود. می‌گوید: گفتم پس اگر زن بگوید نیاز من همانند نیاز زنان دیگر است. فرمودند: چنین حقی را ندارد. پس اگر ولی یا وکیل غایب مفقود الاثر، نفقه‌ی زوجه را پرداخت نکردند، قاضی امر می‌کند تا زوجه را طلاق دهند، پس چنین طلاق‌ی واجب خواهد بود.^۱ (کلینی، الکافی، ۱/۴۷/۶؛ شیخ صدوق، المقنع، ۳۵۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ۲۸۸/۳۲، ۲۸۹؛ مغنیه، فقه الامام الصادق علیه السلام، ۴۱/۶).

ب- عده‌ی وفات

برخی از روایت‌ها بیانگر آن است که هر گاه زوجه غایب مفقود الاثر موضوع را نزد قاضی مطرح کرد، از آن زمان، چهار سال از غایب مفقود الاثر فحوص و جستجو می‌شود. اگر هیچ اطلاعی از او به دست نیاید، در صورت درخواست زن، قاضی وی را طلاق داده و او باید به مدت چهار ماه و ده روز، عده نگه دارد.

به نظر می‌رسد از آن جایی که در احادیث فقط زمان عده -چهار ماه و ده روز- ذکر شده و از عده وفات نامی به میان نیامده -اگر چه چهار ماه و ده روز همان عده وفات است- بنابراین عده‌ی زوجه غایب مفقود الاثر باید یک استثنا در مبحث عده باشد. به این صورت که عده‌ی زوجه غایب مفقود الاثر، عده‌ی طلاق است اما مدت زمان آن به اندازه‌ی عده‌ی وفات یعنی چهار ماه و ده روز می‌باشد. بنابراین در دوران عده‌ی زوجه غایب مفقود الاثر، احکام عده‌ی طلاق و عده‌ی وفات، هر دو جاری خواهد بود به این

۱- «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي عن ابی عبدالله (ع) انه سئل عن المفقود فقال المفقود اذا مضى له اربع سنين الوالی او یکتب الی الناحیه الی هو غائب فیها فان لم یوجد له اثر الوالی و لیه ان ینفق علیها فما انفق علیها فهی امراته قال قلت فانها تقول فانی ارید ما ترید النساء قال لیس ذلک لها و لا کرامه فان لم ینفق علیها ولیه او و کیله امره ان یطلقها فکان ذلک علیها طلاقاً واجباً.»

صورت که طلاقش، رجعی خواهد بود و در صورت بازگشت زوج غایب در دوران عده، حق رجوع به همسرش را دارد؛ و از طرفی رعایت حداد بر او واجب خواهد بود.

روایت وارده پیرامون عده‌ی وفات

هرگاه مردی از همسرش غایب شود پس اگر خبر زنده بودن او را داشته باشد، واجب است برای همیشه صبر کند و هم چنین اگر ولی غایب به او نفقه پرداخت کرد و اگر خبری از شوهر غایبش نداشته باشد و کسی نباشد تا به او نفقه پرداخت کند، پس اگر صبر کند بحثی در آن نیست و اگر زوجه غایب موضوع را نزد قاضی مطرح کرد، حاکم چهار سال مهلت مشخص می‌کند و از غایب در این مدت جستجو می‌کند و اگر حیات غایب مشخص شود، زوجه‌ی غایب تا ابد صبر پیشه می‌نماید و بر امام است که نفقه زوجه غایب را از بیت المال پرداخت کند و اگر حیات غایب بعد از چهار سال معلوم نباشد، حاکم به زوجه غایب امر می‌کند تا عده وفات نگه دارد سپس ازدواج مجددش مانعی ندارد.^۱ (نجفی، جواهر الکلام، ۲۸۹/۳۲؛ بحر العلوم، بلغه الفقیه، ۲۳۸/۳ و ۲۳۹).

عده‌ی فسخ نکاح زوجه شخص مفقود الاثر

هرگاه همسر غایب مفقود الاثر دارای عادت ماهانه منظم باشد، مدت عده او در فسخ نکاح، سه طهر است و در صورتی که زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند، مدت عده سه ماه خواهد بود. ماده‌ی ۱۱۵۱ قانون مدنی: «عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر است، مگر این که زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.» (کنگرانی، قانون مدنی با اصلاحات و الحاقات به انضمام قانون مسئولیت مدنی، ۲۴۰). اما اگر زوجه غایب مفقود الاثر، یائسه یا صغیره باشد، نگه داشتن عده بر او واجب نخواهد بود. جهت جلوگیری از مختلط شدن نسل و یا حمایت از جنین، در فسخ نکاح، نگه داشتن عده لازم دانسته شده است و از این جهت یا عده طلاق مشابه است. البته در

۱- «إذا غاب الرجل عن امراته فان عرف خبره بانه حی وجب الصبر ابدا و کان ان انفق علیها ولیه و لو جهل خبره و لم یکن من ینفق علیها فان صبرت فلا کلام و الا رفعت امرها الی الحاکم فیوجله اربع سنین و یبحث عنه الحاکم هذه المده فان عرف حیوته صبرت ابدا و علی الامام ان ینفق علیها من بیت المال و ان لم یعرف حیوته امرها بالاعتداد عده الوفاه بعد الاربع ثم حلت الازواج.»

فسخ نکاح، رجوع از فسخ امکان ندارد و نکاح به طور کامل و قطعی منحل می‌گردد.
(الحسینی السیستانی، منهاج الصالحین، ۱۷۱/۳).

عده‌ی ازدواج موقت در زوجه‌ی مفقود الاثر

عده‌ی زوجه غایب مفقود الاثر در ازدواج موقت با توجه به شرایطی که زوج در آن قرار دارد متفاوت است. بنابراین:

۱- در صورتی که زن در ازدواج موقت، نابالغ، یائسه و یا غیر مدخوله باشد، نگه داشتن عده بر وی واجب نخواهد بود. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۵۹۴/۳).

۲- عده‌ی زن در ازدواج موقت، در صورت بارداری، با وضع حمل سپری می‌شود. (ماده‌ی ۱۱۵۳ قانون مدنی: «عده‌ی طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.» کنگرانی، ۲۴۰).

۳- عده‌ی زن در ازدواج موقت در صورت بارداری نبودن و نامنظم بودن عادت او، ۴۵ روز است. در این زمینه روایتی وارد شده است که امام رضا(ع) می‌فرمایند که امام محمدباقر(ع) فرموده‌اند که عده‌ی زوجه منقطعه، ۴۵ روز است و بنابر احتیاط، ۴۵ شب می‌باشد.^۱ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۴۸۵/۱۵ ح ۱).

۴- عده‌ی زن در ازدواج موقت در صورت بارداری نبودن و منظم بودن عادت او:
الف- طبق نظر مشهور فقهای امامیه، دو حیض است. (تحریر الوسیله، ۶۰۰/۳).

ب- طبق نظر غیر مشهور که قانون مدنی از آن پیروی کرده است، عده وی دو طهر است. (ماده‌ی ۱۱۵۲ قانون مدنی: «عده‌ی فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است، مگر این که زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است.» کنگرانی، ۲۴۰).

۱- «عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: قال ابو جعفر علیه السلام المتمعه خمسسه و اربعون یوماً، و الاحتیاط خمسسه و اربعون لیله.»

عده‌ی ازدواج موقت

اگر زوجه در ازدواج موقت، صغیره، یائسه و یا غیر مدخوله باشد، نگه داشتن عده بر آنها واجب نخواهد بود. (الحلی، محمد بن ادریس، السرائر، ۶۲۵/۲؛ شیخ انصاری، صراط النجاه، ۲۴۱؛ المامقانی، ۱۰۹؛ قائمی، نظام حیات خانواده، ۴۰۱؛ شفائی، ۲۱۷).

در ازدواج موقت در صورتی که زن، باردار باشد، عده او با زایمان سپری خواهد شد. (تحریر الوسیله، ۶۰۰/۳؛ صراط النجاه، ۲۴۱؛ صفائی، و...، حقوق خانواده نکاح و انحلال آن (فسخ و نکاح)، ۱۴۱/۱؛ قانون مدنی ماده‌ی ۱۱۵۳: «عده‌ی طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.» کنگرانی، ۲۴۰).

اگر زن دارای عادت ماهانه نیست با توجه به این که در سن افرادی است که باید حیض ببیند و هنوز یائسه نشده است، باید ۴۵ روز را به عنوان عده، صبر کند. (تحریر الوسیله، ۶۰۰/۴؛ الحلی، السرائر، ۶۲۵/۲؛ فاضل مقداد، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ۱۳۲/۳؛ فیض کاشانی، الوافی، ۱۲۳۸/۲۳؛ شهایی، ادوار فقه، ۴۲۹/۳).

در ازدواج موقت در صورتی که زن، باردار نبوده و دارای عادت منظم باشد، عده‌ی وی دو حیض می‌باشد. (حرعاملی، ۴۸۵/۱۵).

روایت وارده پیرامون عده‌ی ازدواج موقت

امام رضا(ع) می‌فرمایند که امام محمد باقر(ع) فرموده‌اند که عده‌ی زوجه موقت، ۴۵ روز است و بنابر احتیاط، ۴۵ شب می‌باشد.^۱ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۴۸۵/۱۵ ح ۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- «عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: قال ابو جعفر علیه السلام الممتعہ خمسہ و اربعون يوماً، و الاحتیاط خمسہ و اربعون لیلہ.»

عده‌ی لعان^۱

جدایی که از لعان حاصل می‌شود، فسخ می‌باشد نه طلاق. (مغنیه، ۶۲/۶). بنابراین به نظر می‌رسد که زن پس از لعان باید عده‌ی فسخ نکاح را سپری کند و در صورتی که زن دارای عادت ماهانه منظم است، عده‌ی او سه طهر است؛ و در صورتی که زن در سن افرادی است که حیض می‌بینند اما دارای عادت ماهانه نیست، باید سه ماه عده نگه دارد.

عده‌ی آمیزش به شبهه

در آمیزش به شبهه، عده نگه داشتن واجب می‌باشد؛ زیرا آن نزدیکی، دارای احترام است. زن در آمیزش به شبهه باید عده‌ی طلاق نگه دارد؛ خواه زن، شوهر داشته باشد یا نداشته باشد و خواه شبهه از هر دو طرف باشد یا فقط از طرف وی کننده باشد. (مغنیه، فقه الامام جعفر الصادق، همو، ۴۰/۶؛ تحریر الوسیله، ۶۱۲/۳). بنابراین به نظر می‌رسد که اگر زنی که با او آمیزش به شبهه صورت گرفته است، دارای عادت ماهانه منظم است، عده‌ی او سه پاکی است و اما اگر دارای عادت ماهانه نیست با توجه به این که او رد سن افرادی است که خون حیض می‌بینند، او باید سه ماه عده نگه دارد؛ و اگر زن از آمیزش به شبهه، باردار شده است عده او با زایمان به پایان می‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱- لعان در اصطلاح عبارت از لعن کردن مخصوص هر یک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر می‌باشد که در دو حالت واقع می‌شود:
- الف- هرگاه زوج به همسرش نسبت زنا دهد و شوهر مدعی شود که خود مشاهده کرده که همسرش با مرد اجنبی مرتکب عمل زنا شده است و شاهده‌ی بر این امر نداشته باشد.
- ب- هرگاه تولد فرزند از زمان نزدیکی، بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۰ ماه واقع شود- قاعده‌ی فراش حاکم است- مرد می‌تواند فرزند را که قانوناً به او ملحق می‌شود، با لعان از خود نفی کند.

عدهی زنا

زنی که مرتکب عمل شنیع زنا می‌شود، نیازی به نگه داشتن عده ندارد؛ اگر چه وی از زنا باردار شده باشد، زیرا حمل ناشی از زنا دارای حرمت نیست. (تحریر الوسیله، ۱۲/۳؛ بحرانی، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ۳۵/۲۵؛ محقق الحلی، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۶۰۸/۳؛ التبریزی، صراط النجاه، ۲۵۰/۳؛ امامی، حقوق مدنی، ۹۰/۵ و ۹۱).

عدهی ارتداد

هرگاه شخصی مرتد شود و ارتداد او از نوع ارتداد فطری^۱ باشد، همسرش باید بلافاصله از او جدا شده و به مدت چهار ماه و ده روز، عدهی وفات نگه دارد، اگر چه هنوز کشته نشده باشد. (محقق حلی، شرائع الاسلام، ۳۵۷؛ عاملی، نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، ۱۹۴/۱؛ العلامه الحلی، تحریر الکلام، ۲۱/۲؛ عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۲۴/۱۵؛ کلینی، الکافی، ۱۱/۲۵۷/۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۳/۳۹).

در صورتی که شخص مرتد شود و ارتداد او از نوع ارتداد ملی^۲ باشد، همسرش باید از زمان ارتداد شوهرش، عدهی طلاق نگه دارد. (محقق حلی، شرائع الاسلام، ۳۵۷؛ العلامه الحلی، تبصره المتعلمین، ۲۲۷؛ فخر المحققین، ابن العلامه، ایضاح الفوائد، ۱۷۸/۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۵/۳۹؛ بحر العلوم، بلغه الفقیه، ۱۷۴/۳؛ الحسینی الروحانی، فقه الصادق، ۴۵۲/۲۱ و ۴۲۶/۲۴).

روایت وارده پیرامون عدهی ارتداد

عمار ساباطی می‌نویسد: از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمودند: هر مسلمانی که نسبت به دین اسلام مرتد شود و پیامبری حضرت محمد(ص) را انکار کند و او را تکذیب کند پس همانا خون او بر هر کس که آن را از او بشنود مباح است و همسرش از لحظه ارتداد، از او جدا می‌شود و حق رجوع به وی را نخواهد داشت و اموال او میان

۱- «مرتد فطری کسی است که یکی از پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه‌ی او، مسلمان باشد سپس بعد از بلوغش اظهار اسلام نماید و پس از آن از اسلام خارج شود.» موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ۱۱/۴.

۲- «مرتد ملی کسی است که پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه او کافر باشند سپس بعد از بلوغ اظهار کفر نماید پس کافر اصلی شود و پس از آن اسلام بیاورد سپس بر کفر برگردد» موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ۱۱/۴.

ورثه‌اش تقسیم می‌شود و همسرش عده‌ی وفات نگه می‌دارد و بر امام است که او را بکشد و او توبه داده نمی‌شود.^۱ (طوسی، الاستبصار، ۲/۴۵۳/۴).

احکام مربوط به زن مرتده

در صورتی که زن نسبت به دین اسلام کفر بورزد و از دین مبین اسلام خارج شود، چه مرتده فطری باشد یا ملی، باید عده‌ی طلاق را نگه دارد. (العلامه الحلی، تحریر الاحکام، ۲/۲؛ بحرانی، الحدائق الناضره، ۲۷/۲۴).

فسخ نکاح مرتده شامل فطری یا ملی، متوقف بر منقضی شدن دوران عده‌ی طلاق از زمان ارتداد زن می‌باشد. (بحرانی، الحدائق الناضره، ۲۷/۲۴؛ عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ۳۶۴/۷؛ عاملی، نه‌ایة‌ المراه فی شرح مختصر شرائع الاسلام، ۱/۱۹۳ و ۱۹۴؛ زین‌الدین، الشیخ محمد امین، کلمه‌ التقوی، ۹۲/۷).

عده‌ی زنان بدون رحم

در مورد عده‌ی زنی که رحمش خارج شده، فقهای امامیه نظرات مختلفی را ارائه داده‌اند که برخی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

بررسی عده‌ی زنان بدون رحم از دیدگاه سید مرتضی

مرحوم سید مرتضی در انتصار می‌فرماید: زنانی که از سن عادت ماهانه آن‌ها گذشته است و از حیض شدن نا امیدند، در زمان طلاق، عده‌ای ندارند؛ هم چنین کسی که به سن عادت ماهانه نرسیده، نگه داشتن عده بر او واجب نیست. (علم‌ الهدی، الشریف‌ المرتضی، الانتصار، ۱۴۵).

با تأمل در دیدگاه سید مرتضی به نظر می‌رسد که به عقیده‌ی ایشان همان گونه که نگه داشتن عده بر زنان صغیره و یائسه واجب نیست، نگه داشتن عده بر زنان بدون رحم واجب نخواهد بود؛ چون این دو دسته از زنان خون حیض نمی‌بینند.

۱- «عن عمار الساباطی قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول: کل مسلم بین مسلمین یرتد عن الاسلام و جحد محمد صلی الله علیه و آله نبوته و کذب فإن دمه مباح لکن من سمع ذلک منه وامرأته بئنه منه یوم ارتد فلا تقر به و یقسم ماله علی ورثته و تعدد امراته عده المتوفی عنها زوجها و علی الامام ان یقتله و لا یرتدیه.»

بررسی عده‌ی زنان بدون رحم از دیدگاه شیخ صدوق

مرحوم شیخ صدوق در کتاب المقنع بیان می‌دارد که ۵ دسته از زنان را می‌توان در هر حال طلاق داد: زنی که بارداری او مشخص باشد، زنی که شوهرش غایب مقفودالاثربوده، زنی که با او نزدیکی نشده و زنی که از قاعدگی ناامید گشته و عادت نمی‌شود؛ که این خود بر دو گونه است: اگر همانند عادت نمی‌شوند، عده‌ای بر او نیست اما اگر همانند عادت قاعدگی دارند، باید سه ماه عده نگه دارد. (شیخ صدوق، المقنع، ۳۴۵).

بررسی عده‌ی زنان بدون رحم از دیدگاه شیخ مفید

مرحوم شیخ مفید در کتاب المقنعه بیان کرده‌اند که هر گاه مردی همسر خود را پس از نزدیکی طلاق دهد، اگر از کسانی است که حیض می‌شوند، بر آن زن واجب خواهد بود که به اندازه سه پاکی عده نگه دارد و اگر از کسانی است که در پی عارضه‌ای عادت نمی‌شوند، در حالی که همسالان او قاعدگی دارند، سه ماه عده نگه می‌دارد و اگر ۵۰ سالگی را پشت سر نهاده و عادت ماهانه نمی‌شود، چنین زنی عده ندارد. (شیخ مفید، المقنعه، ۸۲).

با نظر به سخن شیخ مفید به نظر می‌رسد از آن جایی که معیار نگه داشتن عده، دیدن قاعدگی یا در سن قاعدگی بودن است، بنابراین زن یائسه و صغیره به دلیل ندیدن قاعدگی و نبودن در سن قاعدگی، از نگه داشتن عده معاف می‌باشند. بنابراین زنی که رحم وی برداشته شده است و دیگر خون حیض نمی‌بیند، اگر در سن دیدن قاعدگی است، نگه داشتن عده بر او واجب خواهد بود؛ اما اگر سن دیدن قاعدگی را پشت سر گذاشته نگه داشتن عده بر او واجب نخواهد بود.

با توجه به دیدگاه فقهای امامیه به نظر می‌رسد که اگر چه زنانی که رحم آن‌ها برداشته شده، دیگر خون حیض نمی‌بینند و احتمال بارداری بودن و مختلط شدن نسل در آن‌ها منتفی است اما این موارد تنها دلیل نگه داشتن عده نمی‌باشند؛ زیرا زنان بدون رحم با زنان یائسه و صغیره تفاوت دارند. در این دو، قاعدگی به دلیل سنی، منتفی است اما در بانویی که رحم ندارد، قاعده نشدن او عارضی است مگر این که پس از یائسه شدن رحم او برداشته شود؛ هم چنین بازنگری در زندگی زناشویی گذشته، یکی دیگر از دلایل نگه داشتن عده در صورت وقوع طلاق میان زوجین می‌باشد. بنابراین زنی که بدون رحم

است نگه داشتن عده بر او واجب خواهد بود. شاید آن‌ها در مورد زندگی زناشویی سابق خود تجدید نظر کردند و زندگی خود را دوباره با یکدیگر ادامه دادند.

طبق بررسی‌های انجام شده پیرامون عده وفات در زنان بدون رحم، نظری ارائه نشده است؛ اما به نظر می‌رسد از آن جایی که عده‌ی وفات بر زن بالغ و نابالغ، یائسه و غیر یائسه، مدخوله و غیر مدخوله واجب است لذا در صورت انحلال عقد نکاح با فوت شوهر، عده وفات بر زن بدون رحم واجب خواهد بود و او باید به مدت چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارد. - هر چند قبل از نزول این آیه، عده‌ی وفات یک سال کامل بوده است (بقره، آیه‌ی ۲۴۰) - زیرا کلام خداوند مطلق است که می‌فرماید:

«و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (و عده نگه دارند)...» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۹۲/۲).

نتیجه

از آن جایی که نگه داشتن عده برای زوجه محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند، اما یک ضرورت محسوب می‌شود، زیرا در طول دوران عده، باردار بودن یا عدم آن، محرز گشته و موجب جلوگیری از مختلط شدن نسل می‌گردد و یا حریم زندگی قبلی حفظ می‌شود که ممکن است یکی از حکمت‌های حفظ عده باشد و نیز فرصت بازنگری برای زوجین از بین نرود و تا آن جا که ممکن است بتوانند به زندگی گذشته برگردند و کانون گرم خانواده ایشان حفظ شود.

پیشنهادها

- ۱- کلاس‌هایی از ناحیه‌ی ارگان‌های دولتی به صورت کارگاهی برای اطلاع رسانی به زوج‌های جوان، قبل از ازدواج برگزار گردد.
- ۲- از طریق معاونت فرهنگی حرم مطهر رضوی کلاس‌های آموزشی برگزار شود.
- ۳- کارگاه‌هایی از طریق مراکز بهداشت قرار داده شود.
- ۴- کتاب‌های مفیدی که در این زمینه وجود دارد جهت سؤال‌های مسابقه تعیین شود.

- ۵- سایت‌هایی مخصوص این مطالب قرار داده شده و از طریق رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شود.
- ۶- الگوهای خوب از طریق صدا و سیما معرفی شوند و صاحب نظران در این زمینه اطلاع‌رسانی کنند.
- ۷- چند واحد درسی در دوره‌ی متوسطه و دانشگاه، آموزش داده شود.
- ۸- طلاق و جدایی آسیب‌شناسی شود.
- ۹- حریم‌های اجتماعی ایجاد گردد و از اختلاط زن و مرد جلوگیری شود.
- ۱۰- به سیره و الگوهای قرآنی استناد شود و این که با مشاهده اولین مشکل، زوجین به جای فکر جدایی به فکر بازسازی خویش باشند، مانند آسیه که فرعون را تا آنجا که ممکن بود تحمل کرد و تصمیم به جدایی نگرفت.

فهرست منابع و مآخذ:

- * قرآن مجید
۱. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ هـ.ش.
 ۲. بحرالعلوم، محمدبن محمد تقی، بلغه الفقیه، تهران: مکتبه الصادق، بی‌تا.
 ۳. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳ هـ.ق.
 ۴. تبریزی، جواد بن علی، صراط النجاه، بی‌جا: دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۸ هـ.ق.
 ۵. جعفر لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۶ هـ.ش.
 ۶. حرعاملی، محمد بن حسن بن علی، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ.ق.
 ۷. الحسینی الروحانی، السید محمد صادق، فقه الصادق، قم: موسسه دارالکتاب، ۱۴۱۴ هـ.ق.
 ۸. حسینی سیستانی، سید علی، الفتاوی المیسره، قم: مکتب آیت‌الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۶ هـ.ق.
 ۹. -----، منهج الصالحین، قم: مکتب آیت‌الله العظمی السید السیستانی، ۱۴۱۶ هـ.ق.
 ۱۰. حسینی شاهرودی، محمود، جامع المقاصد، مشهد: کتابفروشی جعفری، بی‌تا.
 ۱۱. الحلی، ابی جعفر بن منصور بن احمد بن ادريس، السرائر، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق.
 ۱۲. دیانی، عبدالرسول، حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن، تهران: امید دانش، ۱۳۷۹.
 ۱۳. رفیعی، علی، بررسی فقهی طلاق و آثار آن در حقوق زوجین، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰ هـ.ش.

۱۴. الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۵. زیدان، عبدالکریم، المفصل فی احکام المراه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۱۶. زین الدین، الشیخ محمد امین، کلمه التقوی، بی‌جا: مهر، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۷. شفائی، محسن، طلاق در مذاهب، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۱۸. شهابی، محمود، ادوار فقه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶ هـ.ش.
۱۹. شیخ الاسلامی، سید اسعد، احوال شخصیه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۲۰. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین، صراط النجاه، قم: دبیرخانه کنگره بزرگداشت دویستمین سالگرد میلاد شیخ اعظم انصاری، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، المقنع، قم: موسسه الامام الهادی، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۲۲. صفائی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۲۳. طباطبائی، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۲۴. -----، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۲۵. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، بیروت- لبنان: دارالاضواء، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۶. -----، الخلاف، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۷. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۸. عاملی، محمد بن علی، نه‌ایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، قم: موسسه النشر الاسلامی لجامعه المدرسین بقم المشرف، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۹. علامه حلی، الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر، تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه، قم: موسسه الامام الصادق(ع)، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۳۰. -----، تبصره المتعلمین، انتشارات فقیه، ۱۳۶۸ هـ.ق.
۳۱. علم الهدی، السید الشریف المرتضی، الانتصار، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۳۲. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، التنقیح الرئع لمختصر الشرایع، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳۳. فخر المحققین، ابن العلامه، ایضاح الفوائد، قم: المطبعه العلمیه، ۱۳۸۷ هـ.ق.
۳۴. فیض کاشانی، محمد حسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود، الوافی، اصفهان: مکتبه الامام المومنین علی(ع)، ۱۴۰۶ هـ.ق.

۳۵. قائمی، علی، نظام حیات خانواده، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳ هـ ش.
۳۶. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ ق.
۳۷. -----، فروغ الکافی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۳ هـ ق.
۳۸. کنگرانی، مهدی، قانون مدنی با اصلاحات و الحاقات به انضمام قانون مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات جمال الحق، ۱۳۸۶ هـ ش.
۳۹. المامقانی، یوسفعلی، رساله صراط النجاه، تهران: مهر آزادی، بی تا.
۴۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ هـ ق.
۴۱. -----، شرایع الاسلام، تهران، بی تا، ۱۲۷۴ هـ ق.
۴۲. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوقی خانواده - نکاح و انحلال آن، تهران: علوم اسلامی، ۱۳۷۲ هـ ق.
۴۳. محمدی، علی، شرح تبصره علامه حلی، قم: دارالفکر، ۱۳۷۱ هـ ش.
۴۴. المدرسی، السید محمد تقی، احکام الزواج و فقه الاسره، طهران، دارالمحبی الحسین، ۱۴۲۶.
۴۵. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت - لبنان: دارالتعارف المطبوعات، ۱۴۰۲ هـ ق. (ترجمه مصطفی جباری و حمید مسجد سرای، تهران: ققنوس، ۱۳۷۹ هـ ش.)
۴۶. -----، فقه الامام جعفر الصادق، بیروت - لبنان، دارالجواد، ۱۴۰۲.
۴۷. -----، فقه مقارن ۱ و ۲، ترجمه دکتر حسن اسدی، ورامین - پیشوا: دانشگاه آزاد اسلامی ورامین - پیشوا، ۱۳۸۳ هـ ش.
۴۸. مفید، محمد بن محمد، احکام النساء، قم: الموتره العالمی الشیخ المفید، ۱۴۱۳ هـ ق.
۴۹. -----، المقنعه، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ هـ ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ ش.
۵۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، «عده و احکام آن»، نشر برهان و عرفان، اردیبهشت ۱۳۸۴.
۵۲. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، بیروت - لبنان: دارالمنتظر، ۱۴۰۵ هـ ق.
۵۳. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ هـ ق.
۵۴. واحدی، قدرت الله، طلاق، تهران: موسسه انتشارات آسیا، ۱۳۴۷ هـ ش.
- ۵۵.